ازدیاد و قلت، دو معنای ضد در ماده «عفو»

شاگرد: چطور این دو معنای متضاد در عفو جمع شده است؟

استاد: این در ذهن من بوده است.

شاگرد: در این صورت مشکل حل نمی‌شود و مشکل روی عفو می‌آید.

استاد: مشکلی نمی‌آید. الآن این حل شد. اما این‌که «عف» چرا به این صورت است، سؤال دوم است. نه اشکالی بر اول. شما می‌گویید: چرا «عف» دو معنا شد؟ قبلاً عرض کردم در پشت المنجد این را نوشته‌ام که حدود سیصد کلمه را خود المنجد می‌گوید «ضدٌّ». متأسفانه متن المنجد در نرم‌افزارها نیامده تا سریع پیدا کنید. اصلاً ظاهراً نیست. بعد از سال‌ها پی دی اف تصویری آن گذاشته شد. بالای سیصد مورد را خود المنجد می‌گوید: «ضدٌّ». ضد یعنی این ماده‌ی لغوی دلالت بر معانی متضاد می‌کند. این خودش در کلام عرب یک موضوع است و باید آن را حل کنیم. «وجدت علیه»؛ این‌که حضرت زهرا سلام الله علیها دارد: «وجدت علی ابی بکر» به چه معنا است؟ به وجد آمدن یعنی خیلی از دستشان خوشحال شدند؟!؛ خیر. از لغاتی که ضد است، همین وجد است. «وجد» یعنی به غضب آمد، «وجد» یعنی خوشحال شد و به سرور آمد. دقیقاً بر عکس است. می‌گوید: سیصد مورد ضد دارید. مواردی را که او نیاورده است را به آن اضافه کرده‌ام و پشت کتاب نوشته‌ام. یعنی خیلی موارد هست که ضد هستند، اما کلمه‌ی «ضد» را در المنجد برای آن‌ها نگذاشته است. ولی ضد هستند. شما که نگاه می‌کنید، می‌بینید ضد است. خُب، باید این‌ها حل شود. این یک چیز کلی در زبان عرب است که باید حلش کنیم. ولی غیر از بحث ما است که ما می‌بینیم اگر بگوییم «ضعف» از قاعده «ضف، عف» تبعیت کرده، جور در می‌آید. «ضفّ» به‌معنای ازدحام است، و «عف» به‌معنای «زاد و کثر» است.

شاگرد ۲: به حرکاتش هم فکر کرده‌ای که فتحه و ضمه تناسب با چه چیزی دارند؟

استاد: آقا می‌فرمایند چطور است که «ضَعف» و «ضُعف» برای ضعیف بودن است، ولی وقتی کسره شد، برای ازدیاد است. الآن چیزی یادم نیست. اگر هم فکری هم بوده است، نمی‌دانم. بر عهده‌ی خودتان باشد.

شاگرد: مصدر آن‌ها به ابواب استعمالی آن‌ها دارد.

استاد: خُب، صحبت سر این است که چرا آن استعمال شده است؟ در فقه اللغه توقف نمی‌کنیم. چرا در فطرت عرف، کسره را برای آن به کار برده‌اند؟

بازبینی #2
ایجاد شده 11 فوریه 2024 12:01:53 توسط ... .
به روزرسانی شده 11 فوریه 2024 15:29:56 توسط ... .